اخبار

بعد از مرغ قیمت برنج ترمز برید

● **ایسنا:** افزایش قیمت برنج داخلی و خارجی همچنان ادامه دارد و برنج ایرانی تا ۴۴هزارو ۵۰۰ تومان هم قیمت خورده است. آمارهای رسمی از ادامه افزایش قیمت برنج حکایت دارد؛ به‌طوری‌که در گزارشی که اخیرا مرکز آمار ایران درباره تورم اقلام خوارکی منتشر کرده، بررسی وضعیت قیمت برنج نشان می‌دهد هر کیلو برنج ایرانی در تیر امسال به‌طور متوسط بیش از ۳۷هزارو ۳۰۰ تومان قیمت خورده، درحالی‌که این محصول تا ۴۴هزارو ۵۰۰ تومان هم فروش رفته است. این محصول در تیر سال گذشته هر کیلو به‌طور متوسط ۲۶هزارو ۵۰۰ تومان قیمت داشته و در خرداد سال جاری به ۳۶هزارو ۸۰۰ تومان رسیده است. بر این اساس، برنج ایرانی در مقایسه با خرداد ۱.۴ و نسبت به تیر سال قبل ۴۰.۸ درصد افزایش قیمت دارد. اما وضعیت برنج خارجی هم نشان‌دهنده ادامه روند گرانی آن است. این محصول که پیش از این با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی وارد می‌شد، بالغ بر یک سال است که تأمین ارز آن در سامانه نیما انجام می‌شود و از زمان حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی افزایش قیمت این کالا درخور توجه بوده است. هر کیلو برنج خارجی در تیر سال گذشته به‌طور متوسط ۱۶هزارو ۴۰۰ تومان قیمت داشته که در همین ماه سال جاری به ۲۴هزارو ۸۰۰ تومان رسیده، البته آمار رسمی بیانگر قیمت بیش از ۳۱ هزار تومانی است. بر این اساس برنج خارجی نسبت به خرداد امسال ۰.۲ درصد و تیر پارسال ۵۱.۳ درصد گران شده است.

جریان واردات برنج نیز در سال جاری به نحوی بوده که این محصول به‌طور چشمگیری کمتر وارد شده است و تا حدود ۶۹ درصد کاهش واردات دارد. این در حالی است که از ابتدای سال جاری تا نیمه تیرماه، ۸۶.۳ هزار تن برنج به ارزش ۷۸.۱ میلیون دلار وارد شده، درحالی‌که در مدت مشابه سال قبل میزان واردات ۲۲۷.۶ هزار تن به ارزش ۲۴۹.۷ هزار تن بوده است. همچنین آخرین آمار گمرک ایران بیانگر موجودی کمتر از ۴۰ هزار تنی برنج خارجی در گمرک و بنادر است.

قطع تلفن با قبض بالای ۲۰ هزار تومان در همان ماه اول

● **شرق:** به گفته مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت مخابرات ایران، صورت‌حساب تلفن ثابت یک‌ماهه شده است و اگر قبض پایان یک دوره بیش از ۲۰ هزار تومان باشد و پرداخت نشود، تلفن به صورت یک‌طرفه قطع می‌شود. محمدرضا بیدخام گفت: «با توجه به اینکه صورت‌حساب تلفن ثابت در دوره‌های یک‌ماهه صادر می‌شود، ضروری است برای جلوگیری از یک‌طرفه‌شدن خطوط تلفن، مبالغ صورت‌حساب به‌صورت ماهانه و در مهلت زمانی تعیین‌شده از طریق سامانه تلفنی ۲۰۰۰ یا سایت شرکت مخابرات ایران یا همچنین از طریق تلفن همراه با کد دستوری ستاره ۲۰۲۰ مربع پرداخت شود». بنا بر اعلام شرکت مخابرات ایران، «چنانچه قبض پایان یک دوره بیش از ۲۰ هزار تومان باشد یا اینکه در دو دوره متوالی مبلغ صورت‌حساب کمتر از ۲۰ هزار تومان باشد و ما شاهد پرداخت‌نکردن صورت‌حساب در این دو شرایط باشیم، تلفن به صورت یک‌طرفه قطع می‌شود». مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت مخابرات در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چه راهکاری اندیشیده‌اید که در زمان قطع تلفن ثابت بدون مراجعه مشترکان مجدد تلفن وصل شود، گفت: «در صورتی که به‌علت پرداخت‌نکردن بدهی، خط تلفن مشترک، یک‌طرفه یا قطع شده است، برای تسریع در روند اتصال مجدد بهتر است مبلغ صورت‌حساب را ازطریق سامانه تلفنی ۲۰۰۰ پرداخت کنند تا تلفن مشترک خودکار وصل شود».

شهلی‌بر، جامعه‌شناس و پژوهشگر سیاست اجتماعی مسکن، در گفت‌وگو با «شرق»:

راه‌حل مَسکن؛ خروج از سوداگری

● **دولت روحانی بنیان اجتماعی مسکن مهر را به هم زد**

● **حوزه مسکن نباید کالایی و عرصه سوداگری و بورس‌بازی شود**

عکس: محسن قائمی، جام‌جم

رضا امیرزاده: از ابتدای دهه ۷۰ تا امروز، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در بخش مسکن، نتیجه‌بخش نبوده و سیر نزولی شاخص بهره‌برداری ملکی، در کنار افزایش سهم هزینه مسکن در سبد خانوار در سال‌های اخیر شاهدی بر این مدعاست. «عبدالوهاب شهلی‌بر»، جامعه‌شناس فعال در حوزه مسکن، سال‌هاست در زمینه سیاست اجتماعی مسکن در ایران پژوهش می‌کند. این پژوهشگر انگیزه‌های سوداگرایانه در بازار مسکن را یکی از عوامل ریشه‌ای بحران آن می‌داند و در این گفت‌وگو معتقد است تا زمانی که دولت با یک رویکرد اجتماعی، «سوداگری» را از این فضا دور نکند، مسئله مسکن فقط با منطق افزایش عرضه حل نخواهد شد. در این گفت‌وگو همچنین با او درباره راهکارهای برون‌رفت از معضلات فعلی حوزه مسکن در ایران صحبت کرده‌ایم.

آقای دکتر شهلی‌بر، در یک نمای کلی وضعیت مسکن را در چند دهه اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟

مسئله مسکن دو محور اصلی دارد؛ یکی دسترسی به مسکن و دیگری کیفیت آن. براساس آماری که در سرشماری‌ها وجود دارد، در چند دهه اخیر هم دسترسی به مسکن سخت‌تر شده و هم کیفیت آن پایین آمده است. وقتی از دسترسی صحبت می‌کنیم، منظور قیمتی است که افراد باید برای بهره‌برداری ملکی یا استیجاری پرداخت کنند. کیفیت اما شامل آن نشاط و سرزندگی است که تحت تأثیر مسکن است و همچنین خدماتی که در محله وجود دارد، نوع معماری و... . به‌هرحال مسکن فقط چهار دیوار و یک سقف نیست.

از لحاظ بحث دسترسی به مسکن، ما در کدام دوره عملکرد بهتری داشتیم؟

موفق‌ترین دهه‌ای که ما توانستیم مسئله مسکن را حداقل از لحاظ دسترسی تعدیل کنیم، همان دهه اول بعد از انقلاب بوده که هم نرخ مالکیت و هم نرخ اجاره‌نشینی بهبود پیدا می‌کند. براساس آمار سرشماری که هر ۱۰ سال انجام می‌گیرد، در سال ۱۳۵۵ بهره‌برداری ملکی در ایران ۷۶.۱۳ درصد است که در سال ۶۵ به ۷۷.۱۳ درصد می‌رسد. این مقدار افزایش در مسکن شهری بالاتر نیز بوده و از ۶۲.۵۶ درصد به ۶۹.۴ درصد رسیده است. در بهره‌برداری استیجاری در مسکن شهری نیز آمار از ۲۷.۷۵ درصد به ۱۸.۳۳ درصد می‌رسد، اما می‌بینیم در سرشماری ۱۳۷۵ روند مالکیت نزولی بوده است. در سرشماری ۱۳۹۵ ما در نقاط شهری به نرخ ۵۴.۵۲ درصد بهره‌برداری ملکی رسیده‌ایم و مطمئن هستیم در چند سال گذشته با توجه به روند بحرانی که به وجود آمده، این رقم کاهش پیدا کرده است. اما مسکن استیجاری که سال ۱۳۵۵رقم ۲۷.۷۵ درصد بوده، الان رسیده به ۳۶.۷۰ درصد. براساس آمار از سال ۶۵ به بعد ما در زمینه مسکن شاهد بهبود اوضاع نیستیم.

دلیل این روند نزولی که تا امروز هم ادامه داشته چیست؟

شروع این روند نزولی مصادف با بعد از جنگ و سیاست‌های تعدیل ساختاری است که در آن به سیاست‌های مسکن دهه اول انقلاب نقد جدی وارد می‌شود؛ یکی اینکه شهرها به صورت افقی رشد پیدا کرده بودند و این باعث بالارفتن هزینه زیرساخت‌ها و کمبود زمین شده بود و دیگری بحث ضعف در تکنولوژی ساخت بود که باید تغییر می‌کرد. تصمیم بر این می‌شود که مسکن به بازار سپرده شود و سیاست واگذاری زمین به واگذاری مسکن تغییر می‌کند. بنابراین زمین‌های دولتی و وام‌های بانکی به‌جای اینکه به مصرف‌کننده داده شود به انبوه‌سازان می‌رسد.

یعنی شما سپردن مسکن به بازار با هدف افزایش تولید مسکن را عامل ایجاد چالش در حوزه مسکن می‌دانید؟

حوزه مسکن نباید کالایی شده و تبدیل به عرصه سوداگری و بورس بازی شود. کشورهایی که در زمینه مسکن عملکرد قابل قبولی داشته‌اند، هیچ‌وقت اجازه چنین کاری را نداده‌اند. در دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰، سال‌هایی است که مسکن در ایران به تدریج وارد پروژه‌های سوداگرانه می‌شود و حتی بانک‌ها نیز به این حوزه ورود پیدا می‌کنند. ما در این دوره با یک تغییر پارادایم مواجه هستیم که فکر می‌کنند دولت بهره‌وری کافی را برای صاحب مسکن کردن مردم ندارد و به‌جای اینکه زمین‌هایش را به مردم بدهد آن را به انبوه‌سازان می‌دهد.

در همان زمان بحث‌هایی هم درباره مسکن‌های اجتماعی مطرح می‌شود.

البته در هدف‌گذاری برنامه چهارم گفتند باید ۱۰ درصد مسکن اجتماعی برای مددجویان کمیته امداد و بهزیستی ساخته شود، اما این مسکن‌های اجتماعی هیچ‌وقت محقق نشد.

چرا سپردن مسکن به بخش خصوصی را ناموفق می‌دانید؟

شاخص‌های جدی برای سنجش میزان اثرگذاری سیاست‌های توسعه مسکن، یکی کاهش بهره‌برداری استیجاری و دیگری افزایش بهره‌برداری ملکی است. البته در بعضی کشورها مثل کشورهای حوزه اسکاندیناوی، بالارفتن استیجار مهم نیست، چون تمایلی به ملکی‌کردن مسکن ندارند، اما با توجه به ساختار مسکن در ایران این دو شاخص به همراه هزینه دسترسی به مسکن مهم هستند. اخیرا بعضی آمار حکایت از این دارد که در کلان‌شهرهای ما هزینه مسکن حدود ۷۰ درصد سبد هزینه خانوار است. در آمار رسمی که من بر اساس محاسبات بانک مرکزی به آن رسیده‌ام، در سال ۷۱ سهم مسکن در سبد هزینه خانوار ۲۸.۲ درصد بوده که در سال ۹۶ به ۳۵.۵۶ درصد رسیده است. در نظر داشته باشید این میانگین است و احتمالا در شهرهای بزرگ این عدد باید بزرگ‌تر هم باشد. این سه شاخص نشان می‌دهد که با وجود اینکه مسکن تبدیل به یک حوزه انباشت شده و انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن بالا رفته، توفیق چندانی حتی به اندازه حفظ وضعیت سال ۶۵ را هم نداشته‌ایم.

چرا با وجود فعالیت بخش خصوصی در حوزه مسکن و کمترین دخالت دولت، عرضه‌وتقاضا در این بازار تنظیم نمی‌شود؟

پژوهشگران و متخصصان حوزه مسکن یک جمله کلیدی دارند که می‌گویند: «مسکن حوزه‌ای است که ما در آن با شکست بازار مواجه می‌شویم»، چون مسکن یک کالای غیرهمگن است. در یک کوچه، حتی جنوبی و شمالی بودن یک مسکن روی قیمت آن تأثیر دارد. از طرفی تولید مسکن لزوما به معنای توزیع مسکن نیست. مسکن جزء کالاهای اساسی است که گرایش‌های صرف بازاری این تضمین را به وجود نمی‌آورد که تمام آحاد جامعه، نیازشان به آن برطرف شود؛ پس دولت باید بیاید و در آن دخالت کند. در هرکجای دنیا دهک‌های پایین جامعه بدون حمایت‌های دولتی نمی‌توانند به مسکن برسند.

خب وقتی تولید مسکن بر عهده انبوه‌سازان است، دولت چگونه می‌تواند در توزیع آن نقش داشته باشد؟

مالیات بر خانه‌های خالی که الان بحث آن مطرح است، باید ۱۰ سال پیش انجام می‌شد تا با بالابردن هزینه نگهداری مسکن خالی، انگیزه احتکار این کالا پایین بیاید. یکی دیگر از دلایلی که بازار در حوزه مسکن شکست می‌خورد، این است که توزیع جغرافیایی مسکن هیچ‌گاه براساس برنامه‌ها پیش نمی‌رود. ما کشور متمرکزی داریم که همه دوست دارند از شهرستان‌ها به مراکز استان‌ها و پایتخت مهاجرت کنند. در اینجا شما با تراکم تقاضا در یک جا و ازدیاد عرضه در جای دیگر مواجهه هستید. این یعنی تولید مسکن متناسب با نیاز مناطق مختلف نیست و آن «مکانیسم دست نامرئی بازار» توهمی بیش نخواهد بود.

یعنی شما می‌گویید ما با یک توزیع مناسب، با همین حجم تولید مسکن که تا امروز داشته‌ایم، می‌توانستیم شاهد این چالش بحرانی مسکن نباشیم؟

نه مسئله فقط توزیع نیست. ما در تولید هم کمبود داریم. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ ما حدود ۲۲ میلیون واحد مسکونی و ۲۴ میلیون خانوار داریم. امروز احتمالا ۲۴ میلیون واحد مسکونی داشته باشیم و ۲۶ میلیون خانوار. پس ما حدود دو میلیون کسری واحد مسکونی داریم. از طرفی توزیع عادلانه نیست. یک نفر پنج خانه دارد و در سوی دیگر چهار، پنج خانوار با هم در یک خانه زندگی می‌کنند. الان در تهران بعضی افراد به لحاظ مالی دیگر نمی‌توانند یک واحد مسکونی مستقل اجاره کنند. در نظر داشته باشید ما نزدیک ۲۰ میلیون نفر حاشیه‌نشین داریم و ساکنان بافت فرسوده را هم باید به این آمار اضافه کرد. وقتی ما می‌گوییم دو میلیون کسری مسکن داریم با نادیده‌گرفتن اینها است.

ما در این سال‌ها مسکن مهر را هم داشته‌ایم که رویکردی اجتماعی داشت. پروژه مسکن مهر را چقدر موفق می‌دانید؟

درست است؛ یک سیاست حمایت اجتماعی پشت‌سر مسکن مهر وجود دارد؛ یعنی یک پارادایم که معتقد به شکست بازار است و اینکه ضروری است دولت در مسکن‌دارشدن مردم مداخله کند. متخصصان مسکن که رویکردی اجتماعی‌تر دارند، از این دفاع می‌کنند. اما درباره مسکن مهر نقد روی مقیاس، مکان‌یابی و کیفیت است. یعنی هم‌زمان با اینکه این واحدها ساخته شدند، خدمات زیربنایی و روبنایی لازم ارائه نشد و دسترسی به آن زمان برد. البته باید بپذیریم که محدودیت بود و زمین شهری وجود نداشت اما به‌هرحال وقتی قرار است افرادی در یک مسکن زندگی کنند، باید شرایط مناسب برای این زیست فراهم شود. همچنین طراحی‌های مسکن مهر یکنواخت است و با مسکن پایدار مطابقت ندارد. برای مثال در خیلی از شهرها احتیاج به انبوه‌سازی نبود چون مشکل زمین وجود نداشت. نقد دیگری که به مسکن مهر وارد می‌کنند، بالابردن پایه پولی کشور است که اگر اشتباه نکنم، حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان خلق پول صورت گرفت. البته مدافعان معتقدند که این پول دوباره برگشته است.

وضعیت توزیع مسکن که در بالا اشاره کردید، در مسکن مهر مناسب بود؟

در مسکن مهر هم خیلی از افرادی که آن آورده اولیه را نداشتند، نمی‌توانستند وارد این طرح شوند. پس خود به خود دهک‌های یک تا سه حذف شدند. در یک توزیع مناسب باید برای دسترسی این قشر به مسکن هم تمهیدات لازم اندیشیده شود.

به هشت سال گذشته برگردیم؛ فروش عرصه در مسکن مهر در دولت روحانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

یک ویژگی خوب مسکن مهر همین بود که عرصه به صورت اجاره ۹۹ساله از سوی دولت در اختیار بهره‌بردار قرار گرفته بود که متأسفانه دولت روحانی آن را تحت تأثیر سیاست‌های بازار آزاد فروخت و از بین برد.

و این آن کالایی‌شدن مسکن را دوباره تشدید می‌کرد؟

بله، تشدید می‌کند. دولت روحانی با این اقدام در عمل آمد بنیان اجتماعی جدی مسکن مهر را به هم زد. ۹۹ سال در برنامه‌ریزی مسکن عمری نیست. متأسفانه در ذهن بازار آزادی‌ها اسطوره مالکیت غلبه دارد و اینکه شما مستأجر دولت باشید، جا نیفتاده است. خیلی از کشورها عرصه را واگذار نمی‌کنند و همین از کالایی‌شدن مسکن جلوگیری می‌کند.

با این اوصاف، بحث مالیات بر خانه‌های خالی می‌تواند تأثیر قابل لمسی در بهبود وضعیت مسکن داشته باشد؟

مالیات بر مسکن‌های خالی سیاستی است که اکثر کشورها، حتی کشورهای سرمایه‌داری دنبال می‌کنند. این مکانیسمی است که امکان ذخیره‌کردن یا همان احتکار را دشوار کرده و مسکن‌های خالی را وارد چرخه مصرف می‌کند. مقدار این مالیات باید این‌قدر زیاد باشد که برای صاحب‌خانه، خالی نگه‌داشتن مسکن مقرون‌به‌صرفه نباشد. بهبود مسئله مسکن در ایران هیچ راه‌حلی ندارد؛ مگر اینکه شما گرایش‌های سوداگرانه را از حوزه مسکن خارج کنید. کسی که می‌خواهد بورس‌بازی کند، بهتر است وارد حوزه‌های دیگری شود.

چرا این طرح زودتر از این عملیاتی نشده است؟

یکی از دلایلی که این ایده عملیاتی نمی‌شد و جلوگیری می‌کردند، این بود که خیلی از بانک‌ها و گروه‌های قدرت، بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی و ارزش افزوده و سوداگری خود را در حوزه مسکن انجام می‌دهند و موافق شفاف‌سازی در این زمینه نیستند.

یکی از وعده‌های رئیسی در انتخابات ساخت یک میلیون مسکن در سال بوده که پیش‌ازآن هم مجلس طرحی در این زمینه تصویب کرده. آیا با فرض عملیاتی‌شدن این وعده، شاهد بهبود شرایط مسکن خواهیم بود؟

تا زمانی که یک جراحی جدی در بازار مسکن برای بیرون‌کردن این روحیه سوداگری که از سال ۶۸ به بعد شکل گرفته، انجام نشود، صرفا با منطق افزایش عرضه نمی‌تواند تأثیر معناداری داشته باشید؛ وگرنه مسکن مهر که در آن حداقل دومیلیون‌و ۲۰۰ هزار مسکن ساخته شد، باید در بالارفتن بهره‌برداری ملکی و پایین‌آمدن استیجار یا قیمت مسکن تأثیر می‌گذاشت.

شما روی حذف سوداگری اصرار دارید؛ اما چطور می‌توان در حوزه مسکن این روند سوداگرانه را اصلاح کرد؟

یک راه همین پیگیری جدی مالیات بر خانه‌های خالی است. راه دوم محدودکردن مالکیت است، به این معنا که از افرادی که بیش از یک خانه دارند، مالیات بگیرند. یک اتفاق خوبی که در دولت روحانی افتاد، سامانه جامع ثبت املاک است که باید در دولت بعد جدی پیگیری و کامل شود. یک مسئله دیگر که خیلی مهم است، بحث گره‌زدن برنامه مسکن‌سازی به سیاست آمایش سرزمینی است. خیلی از شهرها و مناطق کشور دیگر اصلا به لحاظ زیستی اشباع شده‌اند. شما اگر یک تهران دیگر هم کنار این تهران بسازید، مسئله مسکن، تا آن روند مهاجرتی اصلاح نشود، پابرجا خواهد بود. ما باید برای شهرهای کوچک، شهرهای میانی و روستاها یک بازاندیشی جدیدی داشته باشیم. نه اینکه برویم فقط آنجا مسکن بسازیم. این اگر با سیاست‌های اشتغال، سیاست‌های توسعه صنعتی و... گره نخورد، بی‌فایده است.

برای دسترسی دهک‌های پایین به مسکن چه برنامه‌هایی را می‌توان در نظر گرفت؟

دولت آینده باید تلاش کند که مسکن استیجاری را به‌عنوان یک بخش خیلی جدی در دستور کار خود قرار دهد. از این یک میلیون مسکنی که قرار است هر سال ساخته شود، همه را ملکی تعریف نکند و بخش بزرگی از آن را به بهره‌برداری استیجاری اختصاص دهد. الان دیگر همه مردم نمی‌توانند مالک باشند. لزوما دسترسی به مسکن مناسب با قیمت عادلانه، با مالک‌شدن متفاوت است. در این زمینه می‌توانیم مثل خیلی از کشورهای دیگر عمل کنیم. هرچند ایجاد این تغییر سنت در ایران سخت است؛ چون هم این مالک‌شدن فرهنگ شده و هم اینکه داشتن مسکن به‌نوعی نقش یک بیمه اجتماعی را ایفا می‌کند؛ اما برای حل مسئله مسکن این ذهنیت باید تغییر کند.

نکته

دولت آینده باید تلاش کند که مسکن استیجاری را به‌عنوان یک بخش خیلی جدی در دستور کار خود قرار دهد. از این یک میلیون مسکنی که قرار است هر سال ساخته شود، همه را ملکی تعریف نکند و بخش بزرگی از آن را به بهره‌برداری استیجاری اختصاص دهد

ادامه از صفحه ۲

از بازرگان تا رئیسی

تنفیذ محمود احمدی‌نژاد (۱۳۸۸)

دوره دوم احمدی‌نژاد در شرایطی آغاز شد که اعتراض‌هایی به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری وجود داشت. از طرفی این دوره را می‌توان آغاز جدایی احمدی‌نژاد از اصولگرایان دانست و مشاهده کرد اصولگرایانی که تمام‌قد از او حمایت می‌کردند و باعث روی‌کارآمدنش بودند، حالا دیگر از او و اطرافیانش به‌عنوان «جریان انحرافی» یاد می‌کردند. احمدی‌نژاد در ۱۲ مرداد ۸۴ تنفیذ شد که در بخشی از حکم تنفیذش آمده بود: «رأی قاطع و بی‌سابقه مردم به رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رأی به ویژگی‌هایی است که کارنامه چهارساله دولت نهم بدان‌ها زینت یافته است و سمت و سوی گرایش‌های اکثریت بی‌چون‌وچرای ملت را آشکار می‌سازد. این، رأی به گفتمان پربرکت و عزت‌مدار انقلاب اسلامی است؛ رأی به استکبارستیزی و ایستادگی شجاعانه در برابر سلطه‌طلبان بین‌المللی است؛ رأی به مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و مبارزه با اشرافی‌گری است؛ رأی به ساده‌زیستی و نزدیکی با مردم و غمگساری از ضعیفان و مستضعفان است؛ رأی به کار و تلاشِ بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر است».

این مراسم غایب‌های مهمی داشت؛ ازجمله هاشمی‌رفسنجانی، هاشمی‌شاهرودی، ناطق‌نوری، محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، سیدمحمد خاتمی، حسن خمینی، حسن روحانی و... .

تنفیذ حسن روحانی (۱۳۹۲)

در انتخابات سال ۹۲ اصلاح‌طلبان با تمام قوا پشت حسن روحانی ایستادند و او توانست در میان نامزدهای متعدد اصولگرایان پیروز انتخابات شود. بیشترین انرژی دولت روحانی در دوره اول به بحث حل‌وفصل مسئله هسته‌ای در مذاکره با شش قدرت جهانی گذشت که در نهایت نتیجه‌اش انعقاد توافق‌نامه برجام بود که البته بسیاری از طیف‌های اصولگرایان با آن مخالف بودند. مراسم تنفیذ روحانی در تاریخ ۱۲ مرداد ۹۲ برگزار شد که در حکم تنفیذ آمده بود: «اکنون که رأی قاطع ملت ایران شخصیتی دانشمند و کارآزموده میدان‌های گوناگون و دارای سوابق جهادی متعدد و مفتخر به حضور در مسئولیت‌های دینی و سیاسی را به مدیریت اجرائی کشور، برگزیده است، این‌جانب نیز به پیروی از آنان و همراه با تبریک به ایشان، رأی ملت را تنفیذ و جناب حجه‌الاسلام آقای دکتر حسن روحانی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم».

تنفیذ حسن روحانی (۱۳۹۶)

روحانی بار دیگر توانست با رأیی بیش از دوره اول به پیروزی برسد که البته رضایت عمومی در دوره دومش نسبت به دوره اول به‌شدت کاهش یافت. با روی‌کارآمدن ترامپ در آمریکا و خروج این کشور از برجام، بی‌برنامگی‌های دولت، فشارهای طیف‌های سیاسی تندرو داخلی و البته نابسامانی وسیع اقتصادی، مردم در تمام ابعاد نسبت به دولت انتقادهای مهمی وارد کردند. روحانی در تاریخ ۱۲ مرداد ۹۶ تنفیذ شد و در بخشی از حکمش آمده بود: «این‌جانب به پیروی از گزینش ملت ایران، رأی آنان را تنفیذ و دانشمند محترم جناب حجه‌الاسلام آقای دکتر حسن روحانی را به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌کنم و با دعا برای موفقیت ایشان، مؤکدا توصیه می‌کنم که این منصب خطیر را وسیله‌ای برای کسب رضای الهی و ذخیره‌ای برای هنگامه لقاء پروردگار قرار دهند و همت خود را متوجه استقرار عدالت و جانب‌داری از محرومان مستضعف و اجرای احکام اسلام ناب و تقویت وحدت و عزت ملی و توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های عظیم کشور و صراحت در بزرگداشت ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی نمایند و مطمئن باشند که ملت غیور و شجاع، خدمتگزاران کشور را در دشواری‌ها و در مقابله با زورگویی‌ها و زیاده‌خواهی‌های استکبار تنها نخواهد گذاشت». رهبری در این حکم بر ضرورت توجه دولت به اقتصاد مقاومتی هم تأکید کردند و آوردند: «لازم می‌دانم بار دیگر درباره اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی و توجه ویژه به موضوع اشتغال و تولید داخلی تأکید کنم و یادآوری نمایم که رأی ملت و تنفیذ آن، موکول به حفظ و رعایت تعهد به صراط قویم و مستقیم اسلامی و انقلابی است».

تنفیذ سیدابراهیم رئیسی (۱۴۰۰)

دولت روحانی هم تمام شد تا در نهایت یک نیروی کاملا اصولگرا به نام سیدابراهیم رئیسی انتخاب شود؛ انتخاباتی که براساس آمار رسمی با اقبال پایین مردمی مواجه شد. رئیسی حتما مشکلات بسیاری پیش‌رو دارد؛ از سامان‌دادن به اوضاع اقتصادی، حل مشکل هسته‌ای ایران در قالب احیای برجام، بازگرداندن سرمایه اجتماعی نظام سیاسی، حل مشکلات عظیم توسعه‌ای ازجمله بی‌آبی و... . او در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ تنفیذ شد و در بخشی از حکم تنفیذش آمده است: «امروز میهن عزیزمان تشنه خدمت و آماده حرکت جهشی در همه عرصه‌ها و نیازمند مدیریتی باکفایت و جهادی و دانا و شجاع است که بتواند توانمندی‌های آشکار و نهفته ملت به‌ویژه جوانان را که بسیار فراتر از مشکلات است، بسیج کرده و به میدان کار و تلاش سازنده آورد؛ موانع را از سر راه تولید بردارد؛ سیاست تقویت پول ملی را به‌جد دنبال کند و قشرهای متوسط و پایین جامعه را که سنگینی مشکلات اقتصادی بر دوش آنها است، توانمند سازد؛ مدیریتی که با مشی فرهنگی خردمندانه، مسیر اعتلای مادی و معنوی ملت ایران را هموار کرده، حرکت کشور به سمت جایگاه شایسته‌اش را شتاب بخشد».

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (۲۰۰۰۰۰۱۱۰۵۰۰۰۰۷۲)

شناسه آگهی ۱۱۷۱۶۸۹ نوبت اول

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

مناقصه گزار : شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

موضوع مناقصه : ایمن سازی فاز دوم خطوط ۱۰ و ۳۰ در راستای پروژه ایمن سازی خطوط لوله ۱۰ (کیلومتر ۳۶ تا ۳۹ سبزاب و تنگ فنی) و ۳۰" (کیلومتر ۳۷ تا ۳۸ سبزاب / تنگ فنی در محدوده آبگیری سد بالارود دره تک تکاب)

مبلغ برآورد مناقصه : ۱۲/۲۴۲/۵۵۰/۶۸۷ ریال

۱ - محل و مکان اجرای کار: خوزستان

۲ -مدت اجرای کار: ۵ ماه

۳ -نام دستگاه نظارت: تعمیرات خط

۴ -قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

۵ -روش ارزیابی مالی عبارت است از « دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره ۷۹۶-۲/۲۰ مورخ ۹۹/۱۲/۱۱ وزارت نفت »

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مبلغ ۶۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت یک یا ترکیبی از ضمانت نامه های مندرج در بند های الف، ب، پ ،ج ،چ ،ح ، خ ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیئت محترم وزیران یا تضمین وجه نقد میبایست به شماره شبا IR ۰۴۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۷۱۲۰۲۱۵۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد ضمنا" تصویرضمانتنامه یا رسیدوجه آن در سامانه بارگزاری گردد .

- درج کد اقتصادی و شناسه ملی جهت اشخاص حقوقی(الزامی) در پیشنهاد قیمت مندرج در سامانه ستاد.
- ارائه گواهینامه تعیین صلاحیت پیمانکاری معتبر در رشته ابنیه با حداقل رتبه ۵ الزامی می باشد .

زمان و نحوه خرید اسناد مناقصه از سامانه: شرکت کنندگان مهلت دارند تا ساعت ۱۴:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۶ و با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی www.setadiran.ir نسبت به خرید اسناد و پرداخت هزینه از طریق اتصال به درگاه پرداخت الکترونیک اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از فرخوان تا انتخاب برنده از سایت مزبور انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ستاد ، نسبت به ثبت نام و اخذ گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند و جهت عضویت با پشتیبانی سامانه ستاد به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ تماس حاصل فرمایند.

ضمناً جلسه توجیهی و بازدید از محل جهت شرکت کنندگان در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۹ ساعت ۱۰ صبح به نشانی کیلومتر ۳۵ جاده قدیم اندیمشک / خرم آباد - مرکز انتقال نفت بیدرویه برگزار می گردد .

زمان و مهلت تکمیل و بارگزاری پیشنهادات در سامانه :شرکت کنندگان می بایست تا ساعت ۱۴:۳۰ یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۷ نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) و تحویل اصل پاکت الف (ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار) لاک و مهر شده به دفتر کمیسیون مناقصات در مهلت مذکور و دریافت رسید مربوطه اقدام نمایند.

زمان و محل گشایش پاکات: پیشنهادهای واصله در ساعت ۱۱:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ در محل کمیسیون مناقصات به آدرس: تهران- خیابان سپهبد قرنی- نرسیده به خیابان سپند- پلاک ۱۸۸- طبقه هشتم از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بازگشایی و خوانده خواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص موضوع کار مناقصه با تلفن ۳۲۲۴۰۵۶۵-۰۶۱ تماس حاصل فرمائید .

www.shana.ir www.setadiran.ir www.ioptc.ir

روابط عمومی